

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با عباس محبوب بازیگر

رمز موفقیت بازیگر، ژ



احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

برخی از بازیگران علی‌رغم این که سلبریتی نیستند اما چون نقش‌های جذاب، عین زندگی و ساده و نزدیک به آدم‌های کوچه و بازار را به شایستگی ایفا می‌کنند و از همه مهم‌تر کنار مردم زیست می‌کنند و دور خودشان حصار شیشه‌ای نمی‌کشند محبوب و مورد علاقه مردم هستند. یکی از این بازیگران عباس محبوب است که هنوز در هفتاد و چند سالگی موقعی که در خیابان راه می‌رود مردم کنارش می‌روند و با او هم‌کلام می‌شوند. بازیگری که شاگرد حمید سمندر یان بوده و با بزرگانی نظیر ساموئل خاچیکیان، سعید سلطانی، رضا عطاران و هنرمندان بنام دیگری همکاری کرده است. محبوب با صدای بم و مردانه‌اش و شیرینی که در بازی‌هایش دارد با شایستگی توانسته انواع و اقسام نقش‌های رئالیستی ملموس و قابل باور از جمله فروشنده مغازه تاناکورایی که در آرزوی ازدواج است و همچنین نقش‌های دیگری مثل صاحبخانه زورگو، بنگاهی، کاسب یا قصاب گران فروش را ایفا کند. با محبوب مروری به روند دوران کاری‌اش از دهه چهل تا امروز داریم.

نکته جالب فعالیت دانشکده هنرهای دراماتیک در دو سه دوره اولش که شما یکی از فارغ‌التحصیلانش بودید این است که اغلب این خروجی‌ها در آینده نزدیک تبدیل به بزرگان بازیگری شدند. آیا استعداد این دانشجویان این روند را به وجود آورد و یا مسائل دیگری هم دخیل بود؟

کسی که می‌خواهد وارد فعالیت‌های هنری شود یکی از اصول اولیه‌اش گذراندن تحصیلات آکادمیک است. در کنار این قضیه استعداد، پشتکار و علاقه نکاتی است که در روند شکل‌گیری یک هنرمند تاثیرگذار است. به نظر من اگر بخواهم خیلی عامیانه بگویم باید طرف این کاره باشد تا بتواند بازیگر درجه یکی بشود. در دوره تحصیل من در هنرهای دراماتیک اغلب هم دوره‌های من به شهرت رسیدند و اغلب آنها قبل از حضور دانشکده از سالهای نوجوانی به بازیگری پرداخته بودند و موقعی که ثابت شد استعداد این کار را دارند بتدریج مدارج پیشرفت را طی کردند و تجربه را با تحصیل آکادمیک در هم آمیختند.

در آن دوران استاید در چه یک و مطرحی در دانشکده حضور داشتند؟

بله، یادشان به خیر استاد حمید سمندر یان، پرویز تابدی و اسماعیل سنگله و نصرت کریمی آموخته‌هایشان را در آن دوران به ماها منتقل کردند.

نصرت کریمی تاثیر به‌سزایی در راه اندازی دانشکده هنرهای دراماتیک داشت؟

استاد کریمی تحصیل کرده ایتالیا بود و دوره عروسی را در این کشور گذرانیده بود. بنیانگذار اصلی دانشکده دکتر فروغ بود. ایشان با حمایت مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر اعتقاد داشتند کسی که وارد بازیگری و کارگردانی می‌شود باید تحصیلات تخصصی این حرفه را داشته باشد. اغلب استاید دانشکده تحصیل آن‌ور آبی داشتند. سمندر یان سالها در آلمان هنر خوانده بود. جلال مقدم و داود رشیدی هم در فرانسه تحصیل کرده بودند. همه این حرفه‌ها را زدیم اما باید توجه داشته باشیم کسی که وارد این حرفه می‌شود باید ژنش را داشته باشد.

در دوره ورودی شما با چه هنرمندانی هم دوره بودید؟
من ورودی دوره چهارم در سال ۱۳۵۰ دانشکده بودم. سال بالایی ما مهدی فخیم زاده بود. اردلان مفید و خیلی‌های دیگر با من هم‌دوره بودند.

آیا در دوران تحصیلات متوسطه دانش آموز در سخوانی بودید؟

فیزیک و شیمی‌ام چندان خوب نبود. اما در درس حفظیات خوب بودم.

در چه رشته‌ای دیپلم گرفتید؟

رشته ادبی خواندم. در آن دوران برای تحصیل سه رشته ادبی، طبیعی و ریاضی بود.

در چه دوره‌ای تئاتر را شروع کردید؟

دوره دبستان تئاتر را شروع کردم و اولین کار تئاتری‌ام با نام «کلاس اکابر» به صورت زنده از تلویزیون ثابت پاسال پخش شد.

آیا برای تصویربرداری به تلویزیون می‌رفتید؟

حول و حوش سال ۱۳۳۸ می‌رفتیم به شبکه دو فعلی در خیابان الوند و تلویزیون خصوصی ثابت پاسال که در آن دوران تقریباً ده سالم بود.

آیا کارگردان داشتید؟

بله، معلم سرود مدرسه کارگردان تئاتر ما بود. در آن سالها تمام

برنامه داشت و یادم می‌آید موقعی که به استودیو رفتیم سایر بخش‌های برنامه تلویزیون خودشان را برای اجرای برنامه‌هایشان آماده می‌کردند.

اولین کار تئاتر حرفه‌ای تان در چه سالی بود؟

سال ۱۳۴۹ در نمایش «لبه تیز صندلی» به کارگردانی اکبر وارث بازی کردم که در تالار فرهنگ روی صحنه رفت.

شما با مهدی فخیم‌زاده هم دانشگاهی بودید و فخیم‌زاده در آن سالها در سینما حضور پر رنگی داشت. آیا از او نخواستید که شما را به فیلمها برای بازی معرفی کند؟

من هیچ وقت از هیچ کسی نخواستیم که من را به فیلمی برای بازی معرفی کند.

چگونه برای بازی در فیلم «دیوار شیشه‌ای» ساموئل خاچیکیان انتخاب شدید؟

در نمایش «خاطره شجاعان» به کارگردانی منوچهر لاریجانی بازی می‌کردم. آرمان و خاچیکیان آمدند و نمایش را دیدند و بعد از اتمام نمایش از من و چند تاز بازیگران خواستند که به دفتر خاچیکیان برویم و از بین ده نفر من انتخاب شدم و برای بازی در فیلمی از من دعوت کرد که تولیدش متوقف شد و بعد از یک سال حسن شریفی مدیر تولید خاچیکیان دوباره با من تماس گرفت و در فیلم «دیوار شیشه‌ای» بازی کردم.

«دیوار شیشه‌ای» فیلم پر بازیگری بود که اولین تجربه بازیگری هماروستا را رقم زد؟

بله، اولین فیلم همایون اشکان و تعداد دیگری از بازیگران بود. ژاله سام هم بازیگر مطرحی بود که در کنار آرمان در فیلم حضور داشتند. سیاست کلی خاچیکیان بدین منوال بود که در هر فیلمش چهره جدیدی را معرفی کند.

خاطره‌ای از همبازی شدن با هماروستا و ژاله سام در این فیلم دارید؟

خاطره‌ای قابل ذکر ندارم. اما با همایون اشکان بازیگر نخست فیلم خاطره جذابی دارم. او روزی به من گفت که بعد از اتمام کار در دفتر آژیر فیلم با هم برویم خانه‌اش که حول و حوش میدان سرباز بود و فاصله زیادی با خانه ما در نظام آباد نداشت. او قهرمان موتور سواری بود و

مدارس کلاس سرود و موسیقی داشتند. در این کلاسها سوای موسیقی به تئاتر هم پرداخته می‌شد. در مدرسه آموزگارم «پرویز مسروری» اعلام کرد که قصد دارد نمایشنامه‌ای را اجرا کند و هر کسی که علاقه‌مند به بازیگری است بیاید ثبت نام کند. ۷۵ دانش آموز ثبت نام کردند.

در کدام مدرسه تحصیل می‌کردید؟

دبستان نوین در خیابان شهرستانی میدان امام حسین و برای این نمایش ۱۵ نفر احتیاج بود و به همین دلیل امتحان گرفت و من هم جزو قبول شدگان بودم. من در این نمایش نقش درویشی را بازی کردم که برای سواد یاد گرفتن به کلاس اکابر می‌رفت.

چرا شما نقش درویش را بازی کردید؟

چون صدایم از سایر بچه‌ها کلفت‌تر بود و به درد نقش درویش می‌خورد.

آیا متنی برای حفظ کردن به شما داد؟

بله، متن را همین آقای مسروری نوشته بود.

در سالهای بعد آیا رفتید سراغ بازی در تئاترهای حرفه‌ای؟

بله، دو سه نمایش تا اتمام تحصیلات متوسطه بازی کردم.
آیا برای شما به عنوان یک بچه ده ساله سخت نبود در یک استودیو تئاتر را به صورت زنده با حضور دوربین فیلمبرداری بازی کنید؟

کار سختی بود و استرس خاص خودش را داشت. سر صحنه ضبط زنده تئاتر یکی از بچه‌ها دیالوگش را اشتباه گفت و ناگهان یکی دیگر از بازیگران دستش را بالا برد و خطاب به آموزگارمان گفت آقا اجازه این دیالوگش را اشتباه گفت و آموزگار با اشاره به او گفت ساکت باشد زیرا دوربین در حال فیلمبرداری بود و هضم این قضیه برای یک بچه ده ساله برای پخش زنده دشوار بود.

چقدر برای اجرای این نمایش به صورت زنده تمرین داشتید؟

دو ماه تمرین کردیم. البته اصلاً فرصتی نبود که در پلاتوی فیلمبرداری تمرینی داشته باشیم و همان موقع آمدم پلاتو و فیلمبرداری شروع شد. تلویزیون در آن سالها در طول روز ۴-۵ ساعت